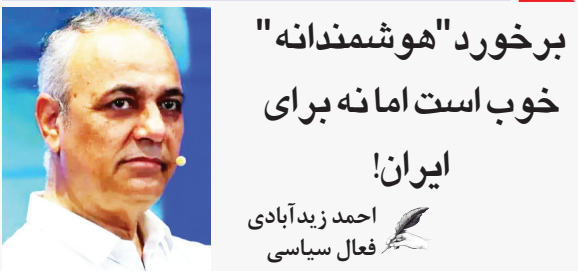


یادداشت ...



رسانه‌های جریان تندرو که پیش از این طرح صلح ترامپ را «طرح تصاحب غزه» توصیف می‌کردند، اکنون موافقت حماس بااین طرح را «هوشمندانه» معرفی می‌کنند! کاش خودشان هم از این نوع «هوشمندی‌ها» به خرج می‌دادند! و یا حداقل اجازه می‌دادند که دولت پزشکیان هم همینطور «هوشمندانه» با برخی طرح‌های بین‌المللی روبرو شود!

ظاهراً از نگاه برخی جریان‌های سیاسی در ایران «برخورد هوشمندانه» خوب است اما برای همسایه!

چطور من که بعد از عملیات ۱۷اکتبر به قصد جلوگیری از حملهٔ اسرائیل به نوار غزه و کشت و کشتار مردم و نابودی شهرهای آنجایی‌شهادت‌کردم بهتر است حماس نیز وهای مسلح خود را از نوار غزه عقب بکشد و کنترل پاریکه را به دولت خود گردان فلسطین واگذار کند، بافصله با موجی از اهانت و تهمت و اتهام طرفداری از منطق «بله بره» و صدا و سیما و رسانه‌های همسوی آن و حتی احضار به مراکز امنیتی روبرو و شدم، اما حالا که حماس همین موضوع را مورد تأکید قرار داده است، برخوردش «هوشمندانه» اعلام می‌شود!

به جای نحاشی، در یک کلام توضیح دهند که این برخورد دو گانه و تبعیض آمیز برای چیست و از کجا آب می‌خورد؟

الان زمانی است که دوستانی مثل دکتر بیژن عبدالکریمی نظر خود را در این باره مطرح کنند.

یادداشت ...

حفظ خاک یا مناظر ه‌های بی‌پایان؟

مسئله کدام است!  **سعید خاتمی**
فعال رسانه



روش‌شنفری اگر می‌خواهد کار کرد داشته باشد، باید به جای انکار بدیهیات، پاسدار بدیهیات باشد. و در ایران، بدیهی‌ترین اصل همین است: حفظ تمامیت ارضی؛ همه چیز دیگر، از اقتصاد تا فرهنگ، بر این پایه استوار است.

در محل کار، همکاری دارم که علاق‌های سیری‌ناپذیر به مناظر مه‌ادار. از صادق زیباکلام و موسی غنی‌نژاد گرفته تا طاهر نیا، جبراییبی و دیگران؛ یکی تمام نشده، فوراً بعدی را می‌گازارد. من تصویر را نمی‌بینم، فقط صدا را می‌شنوم؛ اما همین شنیدن کافی است تا بارها در دل بسوزم.

چرا باید در سال ۱۴۰۴ هنوز مناظره کنیم که اسرائیل دشمن ماست یا مادمشمن اسرائیل؟ چرا باید همچنان انرژی فکری جامعه صرف بر سرشی بدیهی شود که چه کسی تحریک‌کننده جنگ است؟ مگر سرزمینی که در سه قرن گذشته بارها تکه‌تکه شده، هنوز نیاز دارد به خودش ثابت کند که «دشمن خارجی» و واقعیت دارد؟ اگر تاریخ چند سده اخیر جهان را مرور کنیم، روشن است که «جهان بدون مرز» بیشتر

یک رؤیای کوتاه بوده تا واقعیت. از جنگ‌های صلیبی و جهانی گرفته تا جنگ سرد، جهان همواره در محور مرز و سرزمین تعریف شده است. تنها در دو دهه پایانی قرن بیستم بودا ۱۹۹۰ تا حدود ۲۰۱۰ که شعارهایی مثل «هکده جهانی» پررنگ شد. اما حتی در همان دوران، جنگ یوگوسلاوی، تجزیه یک و اسلاوکی، حمله آمریکا به عراق و افغانستان و سقوط طیبی نشان می‌داد مرزها همچنان خونین‌اند. امروز نیز با جنگ سوریه، بحران اوکراین و رقابت چین و آمریکا، دوباره همه چیز به همان نقطه قدیمی بازگشته است؛ جایی که مرز و تمامیت ارضی مهم‌ترین معیار بقاست.

تاریخ‌نگ ایران هم همین را فرایده می‌زنل: حکمرانی که نتواند خاک را حفظ کند، هر اصلاح اقتصادی یا فرهنگی‌اش روی هواست. از روزگار آقامحمدخان قاجار به بعد، در هر دورای بخشی از خاک ایران جدا شد؛ از عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای در قاجاریه تا جدایی بحرین و اارات کوچک در پهلوی. قفقاز رفت، بخش‌هایی از آسیای میانه و افغانستان جدا شدند، بلوچستان دوباره شد، و نقشه ایران بارها کو چکت رفت. اما حتی در عهدنامه‌های اخیر، این کشور را به وجود نیاوردند. تمام‌عیار، تحریم‌ها و فشار جهانی، حتی که وجب خاک از ایران جدا نشده است. همین واقعیت این دوره را به طلا‌ی‌ترین فصل پاسداری از تمامیت ارضی ایران در قرن و اخیر بدل می‌کند؛ فصلی که ارزش آن را تنها در مقایسه با زخم‌های پیشین می‌توان فهمید.

این بافت‌ور و پیدایش تاریخی نیستند؛ زخمی اندر حافظه جمعی ما؛ زخمی که یادآور می‌شود نخستین سنجش هر حکمرانی، «حفظ خاک» است. کشوری با تمدنی هفت‌هزار ساله پیش از هر چیز باید بقای سرزمینش را پاس دارد.

همکارم می‌گوید این مناظر هما جامعه‌ارووش می‌کند. اما من فکر می‌کنم برعکس؛ این بحث‌هاییش از آنکه نوری بپاشند، تاریکی می‌پرآکنند. چون نسل نوار به شاکه بود دید می‌کنشد: «ایا ما مقصریم یا دشمن؟» این شک، مثل سمی آرام‌روحه جمعی را فرسوده می‌کند. روش‌نفکری اگر می‌خواهد کار کرد داشته باشد، باید به جای انکار بدیهیات، پاسدار بدیهیات باشد. و در ایران، بدیهی‌ترین اصل همین است: حفظ تمامیت ارضی؛ همه چیز دیگر، از اقتصاد تا فرهنگ، بر این پایه استوار است.

عراچی:

آمریکا شروط جدیدی را اعلام نکرده است

سرویس سیاسی – وزیر خارجه ایران گفت: پیام‌هایی به شکل مستقیم، غیر مستقیم یا از طریق واسطه‌های من و طرف آمریکایی تبادل شده، و هیچ‌گاه موضوعی غیر از هسته‌ای مورد گفت‌وگو نبوده است.

«سیدعاس عراچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به پرسش خبرنگاران، با اشاره به نشست با سفرا و روسای نمایندگی خارجی مقیم تهران که در محل وزارت خارجه ایران برگزار شد، گفت: «در این جلسه درباره آثار و تبعات تصمیم اتخاذشده برای اجرای اسنپ یک توضیحاتی ارائه شود تا همگان در جریان باشند که کشورهای غربی در شورای امنیت چه شرایطی را پدید آوردند و چه مخاطراتی در پی آن ممکن است ایجاد شود از جمله مشکلات حقوقی و سیاسی که به تبع این تصمیم به وجود خواهد آمد».

وی همچنین تأکید کرد: «ایران همواره برای دستیابی به یک راه‌حل مذاکراتی منصفانه و متعادل تلاش کرده است، اما این کشورهای غربی بودند که به دلیل درخواست‌ها و مطالبات زیاده‌خواهانه و غیر معقول خود، به این تلاش‌ها پاسخ منفی دادند.»

وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به پرسش خبرنگار ایستادرباره گزارش‌های رسانه‌ای مبنی بر اینکه آمریکا چهار شرط را برای مذاکره با ایران از جمله شرط غیر هسته‌ای گذاشته است، گفت: «شرط‌هایی که در رسانه‌ها مدعی شدند گذاشته شده، هیچ‌کدام رسماً به ما گفته نشده است. ما در ماه‌های اخیر فقط درباره موضوع هسته‌ای با آمریکایی‌ها صحبت داشتیم؛ البته به‌صورت غیر مستقیم. پیام‌هایی به شکل مستقیم، غیر مستقیم یا از طریق واسطه‌های من و طرف آمریکایی تبادل شده، اما هیچ‌گاه هیچ موضوعی غیر از موضوع هسته‌ای مورد گفت‌وگو نبوده است».

سیاسی

دوشنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۴، ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۴۷، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵، شماره ۰۴۸۰۱، صفحه



حکمرانی بر پایه «خردسالاری» حکمرانی مطلوب امروز

دکتر ابوالفضل فاتح
روزنامه‌نگار، فعال سیاسی، کارشناس ارتباطات

رقم در نسل ۱۸ تا ۲۴ سال به پایین‌ترین حد یعنی رقم بی‌سابقه ۷ درصد رسید جایی که ۶۵ درصد رسماً حامی به رسمیت شناختن فلسطین بودند و ۲۸ درصد هم نظری نداده بودند.

اهمیت این مو‌تور تحول اجتماعی-نسلی آن است که در فردای سیاست، برخی از همین نسل جوان نه‌صرفاً در قامت‌رای‌دهنده بلکه در قامت سیاستمداران منتخب و توانمند بر مسند قدرت

سیاسی و یا اقتصادی و یا علمی و... خواهند نشست و در سیاست‌ورویکرد رسمی کشور هانقش‌آفرین خواهد بود و این تغییر صرفاً سیاسی نیست بلکه می‌تواند یک تحول معنی‌دار در جهت‌گیری کشورها و ارزش‌های جهانی نیز ملت‌ها باشد.

شرق: جوانان آگاه و پنجره آزادی

در شرق نیز طیف وسیعی از جوانان که زیر سایه حکومت‌های اقتدارگرا زیست‌اند از رهاورد پنجره دیپیتال با تجربه جهانی آزادی و توسعه مواجه شده‌اند. آنان تفاوت استبداد و آزادی را لمس کرده‌اند و طبیعتاً دیگر به‌سادگی سلطه مطلق این و آن را نمی‌پذیرند. این آگاهی دیپیتال و چند بعدی، مشرو عیت نظام‌های استبدادی را به چالش کشیده و بذ تحول را در دل

جامع شرقی نهفته است.

این نسل هم‌زمان به دو گانگی‌های مراکز قدرت غربی به ویژه در موضوعاتی نظیر حقوق بشر و دموکراسی نیز پی برده و به آسانی تسلیم شکوهمندی ظاهری و فریب ره نسخه‌ای نمی‌شود. می‌توان انتظار داشت، این نسل آگاه و انسانیت‌گرا و عدالت‌خواه هر جا شرایط فراهم باشد، دیر یا زود به شیوه خود می‌توانند تغییرات و سرنوشت تازه‌ای را در جوامع رقم بزنند و نقش‌آفرینی ویژه‌ای در تصمیم‌سازی‌ها و شیوه‌های حکمرانی ایفا کنند.

خطر جهانی راست افراطی

در کنسار ایسن فرصت‌ها، تهدید بزرگی نیز در حال رشد و گندم‌پای است: راست‌افراطی جهانی یا ساختارهایی که برای تحقق اهداف آن طراحی شده است. امروز نشانه‌های آن را در لای‌های علنی و شبکه‌های نفوذ نامریی و در رأس قدرت غرب، در خیابان‌های اروپا و آمریکا و در مالکیت ابر کمپانی‌ها، پلنفرم‌های دیپیتال و فناوری‌های نوین اقتصادی و ارتباطی می‌بینیم. شاهدیم که جهان در حال گذر به یک دوران اقتصادی جدید است.

هوش مصنوعی معلوم نیست چه بر سر سیاست و نحوه اقتصاد ومعیشیت بیاورد. اروپا عملاً وابسته دیپیتالی آمریکا شده و در مرحله فراسایش و انفعال نسبت به آمریکا است که نوع جدیدی در اواخر عصر سیاسی خود بیشتر دغدغه حفظ‌الگوهای گذشته در دارند تا خلق آینده‌های تازه. بر برخی خود را در قامت امپراتور و پادشاه جهان می‌بینند.

این نسلل رهبران مانند کسانی هستند که هنوز به نقشه‌های کاغذی تکیه دارند و می‌خواهند آنچه را ترسیم شده پیاده کنند، در حالی که نسل آینده رهبران نسل در رهن ترزیو بندهای تعاملی بسا‌نگرشی به اصطلاح «جی‌پی‌اس» و جهان هوش مصنوعی در اواخر عصر سیاسی خود بیشتر دغدغه حفظ‌الگوهای گذشته در دارند تا خلق آینده‌های تازه. بر برخی خود را در قامت امپراتور و پادشاه جهان می‌بینند.

این نسلل رهبران مانند کسانی هستند که هنوز به نقشه‌های کاغذی تکیه دارند و می‌خواهند آنچه را ترسیم شده پیاده کنند، در حالی که نسل آینده رهبران نسل در رهن ترزیو بندهای تعاملی بسا‌نگرشی به اصطلاح «جی‌پی‌اس» و جهان هوش مصنوعی در اواخر عصر سیاسی خود بیشتر دغدغه حفظ‌الگوهای گذشته در دارند تا خلق آینده‌های تازه. بر برخی خود را در قامت امپراتور و پادشاه جهان می‌بینند.

غرب: نسل دیپیتال و افکار عمومی

همراه با تحول نسلی در راس هر م قدرت‌های جهانی، تحول اصلی در قاعده بدنه اجتماعی این هر م روی داده است. نسلی که در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۵ سال داشت و اکنون در دهه چهارم زندگی است، به نسل جوان‌تر، مولدان قرن بیست‌ویکم، امروز در ۵۰ سالگی به میدان آمده‌اند. این دو نسل در برابر تمدن دیپیتال پرورش یافته‌اند. آنها به جای روایت‌های رسمی دولته‌ها، واقعیت‌ها را بی‌واسطه از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مستقل دریافت کرده‌اند. همین امر موجب شده در برابر تناقض میان ادعاهای حقوق بشری و عدالت‌خواهانه با واقعیت‌های میدانی، پرسشگری همگانی داشته باشند.

واکنش گسترده جوانان غربی به جنایت غزه، شهادی روشن بر این تحول است. تاجایی که طبق نظر سنجی «گالوپ» (۱) که در ماه مه ۲۰۲۰ منتشر شد حتی در آمریکا که پایگاه حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل بوده، میزان حمایت از اسرائیل در نخستین بار در تاریخ نظر سنجی‌های این موسسه، به ۴۶ درصد رسید و اکثریت را از دست داد.

نیویورک تایمز هم در نظر سنجی سپتامبر ۲۰۲۵ خود اعلام کرد که برای اولین بار در تاریخ نظر سنجی‌های این موسسه، همدلی با اسرائیل در آمریکا به پایین‌ترین سطح خود رسیده و تنها ۳۴ درصد با اسرائیل احساس همدلی دارند. جالب آن که این میزان در میان جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال تنها ۱۹ درصد است و در همین رده سنی، ۲۱ درصد یعنی بیش از سه برابر با فلسطین همدلی دارند.(۲)

ارزیابی نیویورک تایمز آن است که رسانه‌های اجتماعی با ارائه مستندات فوری از رخداد‌های غزه نقشی کلیدی در شیفت افکار عمومی آمریکا داشته‌اند.(۳) طبق همین نظر سنجی تنها ۶ درصد عملکرد ترامپ در مواجهه با قضایای فلسطین را تایید و اکثریت ۵۶ درصد آن را مردودی‌داند و این رقم در میان جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله اکثریت بسیار بالای ۷۳ درصد است.(۴)

تأثیر مو‌تور تحول اجتماعی – نسلی بر سیاست‌گذاری و صندوق‌های رأی

تغییر نگرش افکار عمومی، صندوق‌های رأی را متأثر خواهد کرد؛ شناسایی فلسطین از سوی برخی دولت‌های اروپایی نه‌از روی اختیار که نشانه‌ای از این روند و تحمیل افکار عمومی به آنان است، به عنوان نمونه، در نظر سنجی موسسه «یو‌گاو» (۵) که در تاریخ ۱۸ و ۱۹ سپتامبر برگزار شد تنها ۱۸ درصد انگلیسی‌ها مخالف به رسمیت شناختن فلسطین بودند و این

است. این کلمات بوی تصاحب می‌دهد، اگر بتوانند. تحولات سوریه و افغانستان و واگذاری کشورهای بی‌سرمایه به جولانی و طالبان و در نوع مدرنش، تکوین جریان‌های وابسته به منافع خارجی در ساختارهای عربستان و امارات و باز گذاشتن دست نژادپرستان اسرائیل در نسل‌کشی و اشغال و توسعه‌طلبی – که فریاد سازمان فتل ملل را نیز درآ ورده است – نمونه‌های دیگر منظمه‌ای این سیاست است. با توجه به سیاست‌هایی که از این جریان مشاهده کردیم، دلیلی ندارد جنگ ۱۲ روزه علیه ایران را نیز برای سيطرة بر ایران و منابعش و مقدمه‌ای بر برنامه‌های بزرگ‌تر ندانیم.

البته به نظر می‌رسد تا اینجا ناکامی در اهداف اصلی آن جنگ، پروژه‌های بزرگ‌تری را در منطقه و جهان دچار تردید و شاید وقفه ساخت و چه بسا اگر بتوانند، بخت خود را تکرار کنند. شرق، به ویژه روسیه و چین باید بسیار ممنون ایران باشند که در برابر این تهاجم پیچیده و همه‌جانبه راست جهانی فرو نریخت. پیراه نگفته‌ام که ایران برای طرح‌ان آن برنامه، دروازه یا گذرگاه ژئوپولیتیک ورود به شرق بود.

ایران

ایران نیز خود در بستر، معرض و تلاقی مو‌تور این تحولات نسلی در هر دو سطح قاعده و رئوس است. در قاعده که نسل جوان جدید دیپیتالی و مطالباتش نیازمند توضیح نیست. در سطح بالای هر م، بخش بزرگی از لایه‌های نخست حاکمیت اعم از رجال انتخابی و انتصابی، با نسل فعلی شکافی عمیق چه به لحاظ سنی و چه ذهنی دارند و البته در گذر زمان تحولاتی ناگزیر در پیش خواهد بود که‌کای‌کاش حکومت‌ها خود اقدام به نوسازی خود کنند، نه آن که به دست تقدیر بسپارند.

به دلیل تنگ و کند بودن چرخه داخلی سیاست، چندان نسل جدید و بلانقلابی از سیاستمداران را در عرصه حاکمیت مشاهده نمی‌کنیم. سیاستمداران انتخابی با نظرات‌های فعلی نیز راه‌گشایی چندان در این خصوص نمی‌کنند. از نظر اقتصادی ایران شرایط بسیار دشواری را پشت سر می‌گذارد. تحریم‌ها و ناکارآمدی‌هاین دشواری را مضاعف ساخته و فشار سهمگینی را به طبقات ضعیف و متوسط وارد می‌کند.

سیاست خارجی نیز شرایط بهتری را تجربه نمی‌کند. راست جهانی در برابر ایران متحد شده و شرق جهانی نیز هنوز مشغول انداختن چرته‌کاست و کشورهای منطقه هم از وابستگی‌هایی عمیق رنج می‌برند و برخی گویی پیش‌فروش شده‌اند. طبیعی است که در چنین شرایطی نیازمند همملی حداکثری با مردم، و کاربست نهایت عقلانیت و خلاقیت و همچنین دوران دفاع مقدس برای ترمیم زخم‌های طبقات ضعیف‌تر هستیم.

افسوس که این همه‌گاه که است‌با توجه با توان و اجماع و انسجام ملی تنها راه حل است، از یک‌سور جریان‌ها راست‌با راست جهانی، و از سوی دیگر جریان ناآشنا با تحولات جهانی و متحجر و خودبین، به همراه کندی نظام تصمیم‌گیری فضا را برای عقلانیت ملی تنگ کرده و در تنزل اراده و ارزش‌های ملی مسابقه گذاشته‌اند. با این همه کشور از ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به دلیل ویژگی‌های تاریخی و هویتی و ملی و خصائص نسل جدید ناامید نیستیم.

اصلاح درونی و تاب آوری

اگر ایران می‌خواهد از این گردنه تاریخی عبور کند، نخست، لزوم اصلاح درونی برای توسعه کشور است. فقدان توسعه در ایران هم موجب سرخوردگی ملی و هم موجب رشد راست افراطی خواهد شد. چرا که در تعارض باحاکمیتی که شعارهای عدالت‌خواهانه و مقابله با راست جهانی می‌دهد، احتمال جذب به‌قطب مقابل افزایش می‌یابد. اما در کنار کندی توسعه، نگرانی مهم‌تری بی‌عدالتی، فساد و ناکارآمدی است.

توسعه را تا حدی با خلاقیت، دانش و تلاش مضاعف می‌توان جبران نمود؛ اما بی‌عدالتی، جامعه‌اف‌ر سوده و سرمایه‌اجتماعی را می‌سازد و می‌کند و زمینه رشد جریان‌های افراطی داخلی را فراهم می‌نماید. در ایران به کشوری نظیر ایران به انحراف و توقف توسعه خواهد انجامید.

از حاکمیت انتظار می‌رود، خود را از سيطرة شیوه‌های کهنه و غیر نسل‌منعطف و جامانده سیاستمداران فعلی چرخه معیوب قدرت، رهایی بخشد و عرصه را به سرعت در همه سطوح به روی تمام ایرانیان به ویژه جوانان خلاق بگشاید، بی‌عدالتی و فساد را مهار کند و حکمرانی بر پایه «خردسالاری» را جایگزین فرسالاری و باندسالاری نماید.

در این صورت است که جامعه ایران با انسجام و اعتماد عمومی می‌تواند این مرحله را با موفقیت پشت سر بگذارد. همچنین در این مسیر باید تربیت نسل دیپیتال اثرگذار و افزایش ظرفیت فناوری اطلاعات و تولید روایت‌های قابل رقابت در پلنفرم‌های جهانی را جدی گرفت.

از نخبگان ایران نیز انتظار می‌رود در تمام راه‌حل‌ها و نسخه‌های «اصلاح و تغییر درونی» که پیشنهاد داده و دنبال می‌کنند، «ایرانی بسودن»، «مردم‌بنیاد» بودن و «حفظ تمامیت میهن و موله‌های قدرت و بازدارنده آن» اولویت قطعی و تضمین شده باشد. در مکتب راست افراطی جهانی، تمامیت انسان‌های غیر سفید ارزشی ندارد و مرزها و ملت‌ها قابل معامله‌اند. مراقبت‌باشیم رشد جریان‌های همسو با راست افراطی جهانی مهلکه‌ای بزرگ برای ایران خواهد بود و ایران را دست‌بسته تحویل ارباب خواهد داد. همان‌طور که دیدیم متأسفانه برخی ایرانیان که تن به جریانات راست افراطی دادند، هم به تجاوز نظامی به ایران و هم به توجیه نسل‌کشی اسرائیل رسیدند. تلاش برای آزادی و اصلاحات داخلی اولیتی بسیار مهم است. سوآمان، حفظ فاصله با مطالبات راست جهانی یک الزام دانسته است. همه باتمام پیوند خوردن هر نوع مطالبه داخلی با پروژه‌های راست جهانی، به معنای از دست رفتن استقلال ملی است.

قبلاً عرض شلد مساله ما در داخل، نقاط ضعف کشور است اما مساله راست جهانی با ایران نقاط قوت کشور است. ما می‌خواهیم نقاط ضعف اصلاح شده و آنها می‌خواهند نقاط قوت متغنی نشود و تبیان و ناهم‌بستگی این دو روشن است. فرق بین پوست‌اندازی و پوست‌کندن روشن است. اصلاحات یعنی پوست‌اندازی. آنها که صبح تا شام بدبختی‌ها را باز تولید می‌کنند بلدانند، شعار «ما بدبختیم» در برابر «ما می‌توانیم» ساخته شده و طراحی راست افراطی جهان برای ایجاد استیصال و خودتقنیری در ملت‌هاست و این شعار، راه‌حلی برای خودبختی نیست.

البته غالب ملت ایران فراتر از بسیاری از سیاستمداران و حکمرانان‌مان، بالغ است و از این روی اکثر بحران‌های کمر شکن را با یکاست و دو اندیشی پشت سر گذاشته است. خضای سیاستمداران داخلی آن بوده که عموماً ملت را نابالغ و خویش را اهل درایت فرض گرفته‌اند و خطای سیاست‌های خارجی آن بوده که ملت ایران را نسبت به استقلال خود کم‌توجه و در برابر بحران‌های تحمیلی، ناشکیب فرض کرده‌اند. تابآوری ملت ایران، از نمونه‌هایی است که در تاریخ معاصر سابقه‌ای بر آن نمی‌شناسیم. در بسیاری از عرصه‌های ملی که ایرانیان در میانه بحران و بلوغ قرار گرفته‌اند، سمت‌بلوغ را برگزیده‌اند و آن‌چاهم که بحرانی بوده، بیش از بحران بلوغ نبوده است.

در کنار اصلاح درونی، تابآوری و صبر راهبردی برای عبور از گذار جهانی ضروری است. مساله راست جهانی با ما، نه فقط توان سر بر آوردن دشواری مستقل است که قدرت دفاع از خود دارد و از استعداد و ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند بدون آن که تسلیم باخواهی قدرت‌های دیگر شود، قدرتمند شود، بلکه آن سیاست که در در برنامه جهانی راست افراطی و رقابت با شرق، منابع رزمینر کندماند و سوریه‌ای ساختن و گماشتن جریانی وابسته چون جولانی از نوع ایرانی‌اش می‌تواند هزاران هزار میلیارد منابع ایران را در بر نامه عظیم و جهانی بعدی برای غرب تابین نماید.

آنها به تدریج یلاری مردم و جانفشانی و خلاقیت قوای مسلح ایران و مدیریت عادی جنگ پس از غافلگیری اولیه، نتوانستند والا اگر فرصت پیدا کنند، باور کنید از اشغال ایران نیز ابایی نداشته و ندارند. باید توان ملی را تقا داد و تا تغییر در نسل فعلی رهبران جهان‌صوری و مستوری کرد مو‌فله‌های زیست راهبردی را مدنظر داشت و در این حال نباید اعتماد به نفس بیش از حد و اغوا کننده داشت که غافلگیری‌ها را شاهد بودیم و البته نباید ایران را دست‌کم گرفت.

بدانیم ایران، حتی بدون حزب الله و حماس و حوثی‌ها و جندانشعشی و یک کشور بزرگ و توانمند و ملتی زنده و خلاق و باسواد با ظرفیتی استثنایی است و می‌تواند در گفت‌و گوه‌ای منطقه‌ای و جهانی وارد شده و ایفای نقش کند و چه بسا برای پیشگیری از قدرت شدن آن است که در معرض این همه فشار قرار گرفته است. چنان که حزب‌الله و حوثی‌ها و حماس و حشد هم حتی بدون اسلحه یک حزب و اجتماع منسجم و بسیار قوی‌تر از همه احزاب مناطق خود هستند و این گونه نیست که کسی بتواند با تحولات اخیر منطقه، ایران و این جریانات را تمام شده بداند.

جمع‌بندی

نهایتاً، راست افراطی در حال هر زدن تمام قاعده‌مندی‌هایی است که خود غرب ده‌ها سال مدعی آن بوده و تقریباً دیگر در هیچ چیز در حال اجماعی وجود ندارد و سازمان ملل، به شدت در حال از دست‌دادن کارکرد فکری خود است. این راهبرد راست افراطی برای تحمیل نظری جدید و برای اتادامه سلب خود در قرن سیاسی آینده است. در این حال، به‌رغم تلاش راست افراطی جهانی، معجزه‌افکار عمومی و خویش‌نسل‌های بلند دیپیتال را نباید دست‌کم گرفت. آنهایی توانند نقش‌آفرینی میدار و آرایش قدرت‌ها در قرن آینده را جابه‌جا کنند.

با توجه به الف: مو‌تور تحولات نسلی در قاعده و بدنه جوامع ب: مو‌تور تحولات نسلی در راس هر م رهبران و ج: مو‌تور تحولات تکنولوژی و تمدن دیپیتالی و هوش مصنوعی و تاثیر آن بر تمام شون از دانش و اقتصاد و سیاست، ایران ما را از یک سو می‌تواند در دست نسلی پیشرو و پیشرفته باشد که با عالیت، آزادی، حقوق بشر و رسانه‌های آزادپروورش یافته است. این نسل، چه در غرب و چه در شرق، در حال قدرت گرفتن است و بی‌گمان می‌تواند به شیوه خود سیاست و فرهنگ جهانی را تحت تأثیر قرار داده و در صورت حاکم‌شدن درگرو جهان، مسیر درست آن قرار بگیریم. منزلت ملت خود را بشناسیم، اصلاحات و صبر راهبردی و استقلال ملی توأمان پیش برده شوند، ناهم‌بستگی‌های داخلی به هم‌بستگی تبدیل شوند و قدرت ملی و ملی‌شدن حکومت با خردسالاری و انتخابات و ذنبال شود و البته با اتخاذ راهبردی دروندان‌شانه و متوازن فرصت‌یاب راست جهانی افراطی به کشورمان سلب شود، می‌توانیم از ملت‌هایی باشیم که در قرن سیاسی جدید یکپارچه، مستقل، تعیین‌کننده و تاثیرگذار با نفوذ گفتمانی در سطح منطقه و حتی فراتر باشیم و در غیر این صورت، هر گونه غفلت و چندپارچگی، نیت چندپارگی با سيطرة بر ایران را در ذهن راست افراطی جهان و نمایندگان منطقه‌ای و داخلی آنان زنده خواهد ساخت، هرگز چنین مباد!

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصادش

روزانه